

شناسایی و تحلیل پیشران‌های مالی و اقتصادی سیاستگذاری توسعه ایران با رویکرد آینده‌پژوهی

مصطفی مختاری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سروش فتاحی 

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مهرداد نوابخش

استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<https://doi.org/10.22067/mfe.2026.94751.1589>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

سیاستگذاری‌های توسعه‌ای در ایران از چند جنبه مهم قابلیت بررسی و تحلیل دارند، اما آنچه بیش از همه می‌تواند در این حوزه تأثیرگذاری داشته باشد، مسایل مالی و اقتصادی هستند که در بسیاری از کشورها تأثیر آنها بر روندهای توسعه و سیاستگذاری‌های مرتبط با آن به اثبات رسیده است. بر همین اساس هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل پیشران‌های مالی و اقتصادی سیاستگذاری توسعه ایران است. روش انجام این پژوهش کیفی از نوع آینده‌پژوهی است که با استراتژی تحلیل روند انجام شده و همه روندهای مالی و اقتصادی حاکم بر وضعیت سیاستگذاری توسعه ایران با مطالعه گزارش‌های داخلی و خارجی، مصاحبه‌های عمیق و جلسات هم‌اندیشی انجام شده و جامعه‌آماری خبرگان و فعالان سیاستگذاری توسعه در ایران هستند که ۲۵ نفر از آن به صورت مصاحبه و شرکت در جلسات هم‌اندیشی در فرایند پژوهش مشارکت داشته‌اند. تجزیه و تحلیل داده در بر مبنای تحلیل روند از نوع تحلیل پیشران‌ها بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داده که از کلان‌روند تغییرات اقتصادی پیشران‌های؛ دیده‌بانی و اندازه‌گیری توسعه، لغو حمایتگری اقتصادی، تامین مالی خارجی، تامین مالی از طریق گردشگری، توسعه راه‌های تجاری، ظهور شرکت‌های چند ملیتی، جداسازی اقتصاد از محیط زیست، حمایت از پروژه‌های اقتصاد سبز و بازده اجتماعی، همگرایی جهانی برای توسعه، تغییر بازار کار و حاکمیت شرکتی خوب احصا شده‌اند. سپس با تحلیل کمی این پیشران‌ها مشخص شد که سه پیشران؛ لغو حمایتگری اقتصادی با میانگین (۴/۳۲)، تامین مالی خارجی با میانگین (۴/۱۴) و ظهور شرکت‌های چند ملیتی با میانگین (۴/۰۶) جزو با اهمیت‌ترین پیشران‌ها برای سیاستگذاری توسعه و پیشران‌های تامین مالی

* نویسنده مسئول: fathisuorosh@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

صفحات: ۱-۳۳

خارجی با میانگین (۴/۶۷)، تامین مالی از طریق گردشگری با میانگین (۴/۳۵) و ظهور شرکت‌های چند ملیتی با میانگین (۴/۱۹) تاثیرگذارترین پیشران در سیاست‌گذاری توسعه هستند.

کلیدواژه: توسعه، روندهای اقتصادی، سیاست‌گذاری، آینده پژوهی، تحلیل روند

مقدمه

روند پرتب و تاب توسعه جوامع و سیاست‌گذاری آن همواره دغدغه و مساله بسیاری از کشورها بوده و کشور ایران نیز به دلایل تفاوت آرای زیاد بین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آن روند باثباتی را تجربه نکرده است. توسعه و سیاست‌گذاری آن از مفاهیمی هستند که در چندین سال اخیر، بیشتر مورد توجه بوده‌اند. هرچند نگاه‌های توسعه‌ای در جوامع مختلف ضمن متفاوت بودن آنها، راهکارها و راهبردهای متفاوتی را تجربه کرده‌اند، اما همگی در این بحث که رسیدن به یک توسعه همه جانبه فوق‌النفسه مطلوب و ارزشمند است، اتفاق نظر دارند. سازمان ملل در یک تعریفی جامع توسعه را حقی طبیعی برای انسان‌ها به منظور برابری فرصت، افزایش کارآیی و عدالت رویه‌ای بیان می‌کند. محتوا و ماهیتی که توسعه دارد، شرایط را به نفع بهبود زندگی همه اقشار و افزایش رفاه و کیفیت زندگی و حفظ محیط زیست تغییر داده است ([Ilin et al., 2016, p.1673](#)). با این تفاسیر می‌توان توسعه را هم معنی با وضعیت بهبود و بهتر شدن به کار گرفت ([Azkia, 2012, p.18](#)). همانطور که تعاریف نشان می‌دهند، توسعه روندی چندوجهی است که تغییرات مهم در ساختار جوامع، باورهای جامعه و گروه‌های اجتماعی را موجب شده است و باعث رندهای مختلف از جمله رشد اقتصادی و کاهش نابرابری و رفع فقر ریشه کن کردن آن می‌شود. بر همین اساس مسیر توسعه گذر از مسیری نامطلوب به سوی مسیری مطلوب و ایده‌آل است که در آن زندگی افراد جامعه بهتر و مطلوب‌تر خواهد شد ([Todaro, 2012, p.135](#); [Godarzvand, 2015, p.215](#)). پس توسعه هم ارزشی و هم پیچیده و چندوجهی است ([Jasemi & Hashemi, 2021, p.570](#)) که اهمیت آن در همه کشورهای به دنبال توسعه به میزانی است که تلاش و تمرکز برای به دست آوردن آن یکی هدف والای حاکمیتی و ملی شده است و برای نیل به آن سیاست‌گذاری‌های مختلفی انجام شده است که غالب کشورهای آسیایی شرقی بر پایه سیاست‌گذاری به توسعه دست یافته‌اند ([Kawashima, 2015, p.453](#)). از اهمیت سیاست‌گذاری باید به این مساله اشاره کرد که سیاست‌گذاری فقط برای کشورهای در حال توسعه نیست، بلکه بسیاری از کشورهای توسعه یافته نیز مساله سیاست‌گذاری را در رأس فعالیت‌های خود قرار داده و برای تدوین یک آینده مطلوب و کم اثر کردن تهدیدهای احتمالی به سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف اقدام می‌کنند. برای مثال کشورهای اروپایی برای جبران سیاست‌های توسعه و اشتغال در آینده سیاست‌گذاری مهاجرت و بازکردن درهای خود به روی مهاجران را دنبال کرده‌اند ([Stojanov et al.,](#)

یکی از مهمترین ابعاد سیاست‌گذاری تدوین برنامه راهبردی به منظور ارایه سند چشم‌انداز برای دستور کار تحقیقات آینده است (Katz-Gerro, 2015, p.1). همچنین انجام مطالعات سیاست‌گذاری در همه کشورهای جهان برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد شده است (Kawashima, 2015, p.453). در نتیجه سیاست‌گذاری توسعه روندی خواهد بود که ذی‌نفعان را برای نیل به توسعه مشارکت خواهد داد (Lane et al., 2020, p.2). بر همین اساس در سیاست‌گذاری اولین الزام شناسایی پیشران‌های مالی و اقتصادی هستند که سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای را با موفقیت همراه خواهند کرد. از آنجایی که توسعه و رشد رفاه هر جامعه می‌تواند نتیجه یک سیاست‌گذاری دقیق و همه‌جانبه باشد، تحولات بعدی نتیجه‌ای مرتبط با همین سیاست‌گذاری است. سیاست‌گذاری می‌تواند در حوزه‌های مختلفی تحول بنیادین ایجاد کند، اما در حوزه‌های مالی و اقتصادی اثر قابل توجهی خواهند داشت. بر همین اساس برای تحقق توسعه باید همه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مالی و اقتصادی در قالب سیاست‌گذاری درست و دقیق شناسایی و تحلیل شوند (Godarzvand, 2015, p.215). علاوه بر این یکی از مهمترین ویژگی‌های سیاست‌گذاری‌های توسعه در همه کشورها ضمن شفافیت مالی در طرح‌ها و برنامه‌ها باید با انعطاف‌پذیری مالی و اقتصادی همراه باشند (Lane et al., 2020, p.2). این در حالی است که سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای به روش‌های گوناگونی تدوین می‌شوند و از مدل مشخصی تبعیت نمی‌کنند. به عنوان نمونه برخی کشورهای توسعه یافته سیاست‌گذاری برای توسعه فردی را مبنایی برای توسعه کلی جامعه عنوان کرده‌اند (Campbell et al., 2020, p.1). در مناطقی دیگر مساله مناطق اقماری و حاشیه‌ای و حل مسایل این مناطق بستر مهمی برای کامیابی سیاست‌گذاری‌های توسعه است و مداخلات برنامه‌ریزی در این مناطق بر پایه سیاست‌های مدون باعث کارآمدی سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای می‌شود (De Toni et al., 2021, p.1). همچنین مهمترین پیشران‌های توسعه جوامع، الزامات نهادی برخی نهادهای قدرتمند جامعه و جامعه‌پذیر کردن جریان‌های توسعه خواه است که رشد خارجی ناشی از برنامه‌های اقتصادی جهانی و تهیه منابع فراملی و استفاده همزمان از مزیت‌های بومی‌سازی پیشرفت و توسعه در کشورهای مختلف ممکن می‌شود (Sancha et al., 2015, p.95). در بررسی روش‌ها و ادبیات سیاست‌پژوهی به عنوان راهبرد اصلی آینده پژوهی؛ می‌توان پیشران‌های تاثیرگذاری را شناسایی کرد، اما برخی محققان رویکردهای مالی و اقتصادی را پررنگ‌تر از سایر حوزه‌ها عنوان می‌کنند و در همین چارچوب ترویج و آموزش مشاغل و مهارت‌های پایدار، رشد اقتصادی و درآمد سرانه را راهبرد کارآمدی برای نیل به اهداف توسعه پایدار عنوان می‌کنند

([Sher et al., 2020, p.1](#)). از طرف دیگر، توسعه بازرگانی و تجارت اجتماعی به عنوان یک مولفه مهم اقتصاد شهری با عنوان پیشران توسعه معرفی کرده‌اند ([Oleynikova & Zorkin, 2016, p.1556](#)). همانطور که بارها اشاره شده روند توسعه در ایران بسیار پر چالش بوده و با توجه به اهمیت آن برای بخش‌های مختلف حکمرانی تلاش‌های گسترده‌ای در لایه‌های مختلف حکمرانی انجام شده است که تأثیرات عمیق ناشی از دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... را تجربه کرده است. با این وجود روند توسعه در کشور بسیار ناهم‌هنگ و ناقص بوده و عوامل موثر بر آن در جهات مختلفی نیاز به بررسی دارد. اضافه بر این در ایران با وجود مباحث نظری فراوان در زمینه سیاست‌گذاری توسعه، آن توسعه مورد انتظار محقق نشده و ناکارآمدی سیاست‌های توسعه، چالش عمده سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آن بوده است. در چنین وضعیتی توسعه نیافتگی درد مشترک همه بازیگران این عرصه بوده است. در تفسیر این وضعیت محققان و صاحب‌نظران استدلال‌های متفاوتی برای تبیین توسعه نیافتگی عنوان می‌کنند و راهبردهای ناهم‌هنگی برای برون رفت از وضع موجود بیان می‌کنند. با این تفاسیر، دانش موجود در زمینه توسعه به عنوان پشتیبانی برای تحقق توسعه عمل نکرده و دانش فعلی در تحقق توسعه و موفقیت سیاست‌گذاری‌های آن ناموفق و ناکارآمد بوده است. بر همین اساس موفقیت سیاست‌گذاری توسعه با تمرکز بر دانش قبلی و تجارب گذشته، تقریباً امری ناممکن خواهد بود و لازم است که رویکرد پژوهشی هنجاری با تمرکز بر روندهای تأثیرگذار آینده در قالب تحلیل پیشران‌های اقتصادی و مالی موثر بر سیاست‌گذاری توسعه به تحلیل این موضوع پرداخته شود تا نتیجه‌ای بهتر از پژوهش‌های قبلی برای نیل به توسعه کلی جامعه حاصل شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

توسعه در کلی‌ترین مفهوم خود به معنای بهبود کیفیت زندگی بشر است. بنابراین، انسان‌ها ثروت واقعی هر کشور را تشکیل می‌دهند. به عبارتی، مورد توجه قرار دادن انسان به عنوان یکی از زیربناهای توسعه این امکان را فراهم می‌کند تا کشورها با توجه به ارکان کلیدی شاخص توسعه انسانی (درآمد سرانه، امید به زندگی و نرخ باسوادی) در جهت ارتقای سطح کیفی کشورهاشان گام بردارند ([Hakiminia et al., 2011, p.29](#)). بر همین اساس کشورها برای نیل به توسعه اقدام به سیاست‌گذاری توسعه می‌کنند. به طور کلی سیاست‌گذاری شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. به این اعتبار، منظومه‌ای سازمان یافته از اهداف نهایی دراز مدت و میان مدت قابل سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را در بر می‌گیرد. عبارت دیگر، سیاست‌گذاری نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهمترین اصول و اولویت لازم و

ضروری در فعالیتهای کلی و برنامه‌ریزی است و راهنما و دستورالعمل برای مدیران خواهد بود (Ashtarian, 2012, p.91). سیاستگذاری مداخلات هدفمند، آگاهانه و سنجیده انسانی در مسیر حوادث و فرایندها است که نتیجه آن ممکن است موفقیت‌آمیز باشد یا نباشد. بر این اساس، سیاست‌گذاری توسعه را نیز می‌توان کوشش آگاهانه، سنجیده و سازمان‌یافته دولت برای ایجاد تغییر در وضع موجود و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه‌های مختلف دانست (Akbari, 2002, p.24). اصلی‌ترین سیاستگذاری‌ها در حوزه توسعه شامل راهبردهایی برای کاهش فقر، حمایت اجتماعی، مقابله با محرومیت و طرد اجتماعی، پیشبرد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ارتقای عدالت اجتماعی و حفاظت از منابع طبیعی است (Ebrahimi & Sadeghi, 2007, p.151). به طور کلی در حوزه‌های اقتصادی و مالی نیز سیاست‌گذاری درست تضمین‌کننده توسعه است و توسعه بر مبنای مسایل اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح شد. فشار صنعتی‌شدن و رشد فناوری در این کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب‌مانده عمیق شده و دو طیف از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در جهان شکل گیرد.

دهه‌های اخیر رشد سریع اقتصادی در بسیاری از مناطق در حال توسعه و تمایل به همگرایی در استانداردهای زندگی وجود داشته است، زیرا کشورهای در حال توسعه تمایل دارند شکاف درآمدی خود را با کشورهای با درآمد بالا کاهش می‌دهند. در سند چشم‌انداز توسعه سازمان ملل تا سال ۲۰۳۰، عنوان شده که جهان پتانسیل گسترش رفاه، پایان دادن به بلای دیرینه فقر شدید و بهبود رفاه اقتصادی در سراسر کره زمین را در مقیاسی بی‌سابقه دارد. با این حال، موفقیت در این مسیر هیچ موفقیتی تضمین شده نیست و ممکن است این چشم‌انداز تحقق نیابد (Sachs et al., 2013, p.3).

طرح شدن رشد اقتصادی به عنوان موتور محرکه توسعه و معیار توسعه‌یافتگی جوامع، موجب شده که در بسیاری از جوامع تمرکز بر اقتصاد بیش از سایر ابعاد توسعه باشد. این نگرش که به توسعه اقتصادی یا «رشد محور» معروف است، عمدتاً حاصل تلاش اقتصاددانان کلاسیک توسعه است. آنها توسعه را با ابعاد کمی و فیزیکی آن تعریف می‌کنند. این مکتب بر مفاهیم رشد اقتصادی، انباشتگی سرمایه، سیاست‌های تجارت آزاد، بازارهای آزاد و تصمیم‌گیری فردی متمرکز است (Anbari, 2011, p.59). در همین راستا کشورهای سراسر جهان برای پایان دادن به فقر، ایجاد شغل، بهبود معیشت، بهبود شمول اجتماعی و تضمین پایداری زیست‌محیطی باید تغییرات عمیقی را انجام دهند. تحولات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی همگی به هم مرتبط هستند و باید به عنوان یک تحول ساختاری برای دستیابی به رشد پایدار با عدالت

همراه شوند. مهمتر از همه، این تحولات برای توسعه پایدار باید بر اساس یک چارچوب مشترک جهانی برای توسعه پایدار باشد (Sachs et al., 2013, p.3). در همین ارتباط دپوئی و تودارو با تأکید بر رشد اقتصادی، توسعه را «فرایند و پدیده‌ای اقتصادی و تکنولوژیک» می‌پندارند. که خود را در افزایش سرانه یا کل تولید ناخالص ملی به شکل مشاغل و سایر امکانات اقتصادی ضروری نشان می‌دهد. این مکتب کاملاً متأثر از اندیشه لیبرالی توسعه است، که اقتصاددانان کلاسیک از جمله آدام اسمیت و ریکاردو آن را بسط داده‌اند (Anbari, 2011, p.59). از پس تجربیاتی از این دست، ذهن صاحب‌نظران توسعه متوجه این واقعیت شد که هر چند در فرایند توسعه، رشد اقتصادی از اهمیت قابل توجه‌ای برخوردار است، اما نمی‌تواند به تنهایی کافی باشد. با چنین پنداشتی توسعه به عنوان یک فرایند، آشکارا به بسیج برنامه‌ریزی شده منابع و تکنولوژی عمومی و خصوصی در راستای رشد اقتصادی مربوط دانسته می‌شود و از منظر رفاه و بهزیستی، گزاره ثروت بیشتر به خوشبختی بیشتر افراد می‌انجامد، اصلی پذیرفته شده تلقی خواهد شد (Ghaffari et al., 2016, p.80). در عرصه کلان هم پیشران‌های اقتصادی و کلان‌روندهای به وجود آورنده آنها می‌تواند در تحقق کلی توسعه و موفقیت سیاست‌گذاری در این حوزه اثرگذاری عمیقی داشته باشند.

روش شناسی

روش انجام این پژوهش کیفی از نوع آینده‌پژوهی است که با استراتژی تحلیل روند^۱ انجام شده و یکی از فعالیت‌های اصلی این پژوهش شناسایی و تحلیل پیشران‌های مالی و اقتصادی سیاست‌گذاری توسعه ایران تشکیل می‌دهد. بنابراین، همه روندهای اقتصادی حاکم بر وضعیت سیاست‌گذاری توسعه ایران با مطالعه گزارش‌های داخلی و خارجی از جمله؛ مطالعه پژوهش‌های موجود و ادبیات نظری و مصاحبه‌های عمیق و جلسات هم‌اندیشی انجام و در معرض نقد و بررسی خبرگان و فعالان سیاست‌گذاری توسعه در ایران گذاشته شده است. پژوهش در سطح روندها، ناظر بر شناسایی الگوهای اقتصادی نظام‌مند تغییر در محیط پیرامونی است و از این طریق می‌توان تغییرات آینده را پیش‌بینی کرد. جامعه آماری این پژوهش شامل همه خبرگان و فعالان سیاست‌گذاری توسعه در ایران هستند که در مورد توسعه و سیاست‌گذاری خبره و صاحب‌نظر هستند که ۲۵ نفر از آن به صورت مصاحبه و شرکت در جلسات هم‌اندیشی مشارکت داشته‌اند. گردآوری اطلاعات در این پژوهش به طور همزمان از طریق گزارش‌های پژوهشی و مصاحبه و هم‌اندیشی

¹ Process Analysis

با خبرگان اطلاعات لازم گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده بر پایه تحلیل اسنادی و تحلیل کمی یافته‌های هم‌اندیشی بوده است.

نتایج

کلان روند تغییرات اقتصادی

کلان روند تغییرات اقتصادی به عنوان یک مولفه تاثیرگذار بر تغییرات آینده شرایط اقتصادی گسترده یک کشور یا منطقه را تحلیل می‌کند. سطح تاثیرگذاری روندهای اقتصادی بر سایر پدیده‌ها به این دلیل است که بحران‌ها و مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین کننده جایگاه کشورها در سلسله مراتب توسعه‌ای است. تغییرات اقتصادی چه در بعد فردی و چه در بعد ملی نیز تعیین کننده هستند و در بعدی خرد، در صورت رشد اقتصادی پایین، خانوارها با امنیت شغلی پایین، افزایش مالیات و عدم اطمینان در رشد درآمد روبرو می‌شوند. به همین خاطر نابرابری درآمد و ثروت در بین مناطق مختلف اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (Ojo & Alege, 2010, p.49). با افزایش فشار بر خانوارها از نظر میزان درآمد، فشار این گروه برای ارائه خدمات و محصولات با قیمت پایین‌تر افزایش یافته و این موضوع در نهایت منجر به کاهش دستمزد مشاغل مربوطه و فرار نیروی متخصص در کشور می‌گردد. بر همین اساس کاهش مشاغل مستقیماً باعث بیکاری و بیکاری از شاخص‌های مهم توسعه است. با توجه به تاثیر کلان‌روند تغییرات اقتصادی روندهای جزئی‌تری در قالب پشیران‌هایی بر سیاست‌گذاری توسعه تاثیرگذار خواهند بود که در ادامه هریک از آنها تحلیل خواهد شد.

پشیران دیده‌بانی و اندازه‌گیری توسعه

یکی از مهمترین پشیران‌های توسعه در جوامع اندازه‌گیری شاخص‌های توسعه و ارزیابی فعالیت‌های انجام شده است. در واقع شاخص‌سازی یا عملیاتی کردن و سنجش‌پذیر ساختن مفاهیم به واسطه اجتناب‌ناپذیری تقلیل نهفته در آن، همان قدر که راهگشا و بصیرت آفرین است، می‌تواند آسیب زننده نیز تلقی شود. یکی از راه‌های مواجهه با این وضعیت، عبور از شاخص‌های تک بعدی و تلاش برای ساخت شاخص‌های چند بعدی بوده است. شاخص‌های چند بعدی، شاخص‌هایی هستند که به جای تأکید بر یک بعد مانند تمرکز شاخص درآمد سرانه، ابعاد و زوایای گوناگون پدیده را در ساخت شاخص مداخله داده و از طریق ترکیب بخش‌ها نتایج را ارائه می‌دهند. در همین راستا به نظر می‌رسد سنجش فراگیری توسعه در اقتصاد ایران، هم از لحاظ ارزیابی وضعیت موجود و هم از لحاظ ایجاد شناخت لازم برای اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای مناسب، اهمیت داشته باشد (Rajabpour et al., 2020, p.19). از همین رو لازم است اندازه‌گیری شاخص‌ها در قالب اسنادی شفاف به طور مرتب در زمانبندی مشخصی ارزیابی و اندازه‌گیری شوند، تا با

روح و مقایسه این شاخص‌ها سرعت توسعه را در حوزه‌های مختلف اندازه گرفت و از این طریق بر روی نقاط ضعف و قوت‌ها شناخت بیشتری به دست آورد. امروزه در ایران به دلیل نبود چنین شاخصی نمی‌توان همه تلاش‌های گذشته را در راستای نیل به توسعه مورد ارزیابی قرار داد و بدون شک تکرار بسیاری از اشتباهات گذشته هیچ بعید به نظر نمی‌رسند.

واقعیت این است که شروع روند توسعه در کشور از صد سال گذشته تا کنون هم بدون نقشه و پشتوانه نظری بوده و هم هیچ شاخص ارزیابی برای اندازه‌گیری روند پیشرفت وجود نداشته است و اگر در ادامه مسیر و در راستای تحقق سندهای چشم‌انداز دوباره همین اشتباه تکرار شود، بدون شک مسیر توسعه کشور و روند سیاست‌گذاری آن بی نتیجه شکست خواهد خورد و منابع بی‌شماری مجدداً هدر خواهند رفت. اغلب سیاست‌گذاری‌های توسعه در کشور در قالب «برنامه‌های عمرانی»، «برنامه‌های توسعه»، یا «سند چشم‌انداز» تدوین شده و برای سال‌های زیادی تمام منابع و امکانات کشور برای تحقق آن بسیج کرده و در آخر بدون نتیجه و با افزایش تورم، فقر و شکاف طبقاتی این سیاست‌گذاری‌ها به پایگانی سپرده شده‌اند. چرا که معماران و تدوین‌کنندگان این برنامه‌ها، هیچ خط‌کش یا شاقولی هم برای اندازه‌گیری بنایی که در اندیشه ساخت آن بودند، معرفی نمی‌کردند و هیچ بنیاد و نهادی نیز در عمل مسئول دیده‌بانی و رصد این طرح‌های عظیم نبودند. در نهایت ناظران دولتی نیز به خاطر سهم بودن در منافع طرح‌ها، عموماً همه چیز را عالی و بی نقص جلوه می‌دادند. امروزه شکی نیست که نیل به توسعه نیاز به ابزارهای اندازه‌گیری از نوع دقیق آن دارد. بر همین اساس دکتر رنانی در کتاب صفر توسعه مهمترین پیشران توسعه را «دیده‌بانی و اندازه‌گیری توسعه» بیان می‌کند. این کتاب که خروجی برخی گفتگوهای توسعه‌ای ایشان است، علاوه بر تحلیل نمودارها و شاخص‌های توسعه در حوزه‌های مختلف (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فردی و محیط زیستی)، به کمک نزدیک به ۸۳ هزار داده و اطلاعات و از دل سه هزار شاخص و نماگر، توانسته است ۳۸۰ شاخص توسعه را استخراج و به کمک آنها نقشه توسعه ایران را ترسیم کند.



شکل ۱: نماگرهای شاخص توسعه ایران

همانطور که نقشه توسعه ایران نشان می‌دهد، ترکیب سه رنگ پرچم ایران، متشکل از ۳۸۰ مربع است که هر مربع نماینده یک شاخص است. خانه‌های سبز شاخص‌هایی هستند که حداقل ده واحد (از صد واحد) بالاتر از میانگین جهانی هستند. خانه‌های سفید شاخص‌هایی هستند که در محدوده میانگین جهانی هستند (ده واحد پایین تا ده واحد بالای میانگین جهانی) و خانه‌های قرمز شاخص‌هایی هستند که ده واحد و بیشتر، زیر میانگین جهانی هستند. در این نقشه، همه شاخص‌های ضعیف با رنگ قرمز در پایین نقشه ایران کنار هم چیده شده‌اند و همه شاخص‌های متوسط با رنگ سفید در وسط نقشه و همه شاخص‌های قوی با

رنگ سبز در بالای نقشه، تا رنگ پرچم ایران را تداعی کنند. این بدین معنی است که در سال‌های آینده، هرچه رنگ نقشه ایران به سمت سبزی برود یعنی، به طور کلی و در سطح ملی، کشور به سمت توسعه بیشتر، حرکت می‌کند و اگر به سمت قرمزی بیشتر برود به معنی پس‌روی کشور است. نقشه توسعه امروز ایران بیشتر به قرمزی می‌زند. یعنی از ۳۸۰ شاخص توسعه در سطح ملی، ۱۵۸ شاخص آن بسیار پایین‌تر از میانگین جهانی است. این حاصل یکصد سال فروش نفت و تلاش‌های دو نظام سیاسی در ایران و هفت دهه برنامه‌ریزی توسعه است.

پیشران لغو حمایتگری اقتصادی

رابطه دولت و اقتصاد رابطه بسیاری پیچیده و چندگانه بوده و شکل‌گیری دولت‌ها از کهن‌ترین آنها تا مدرن دولت‌ها در اروپای امروزی در مورد وظایف دولت به ویژه وظایف اقتصادی، مباحث بسیاری را در ادبیات مباحث سیاسی و اقتصادی رقم زده است (Rezaei, 2004, p. 38). یکی از مهمترین مباحث شیوه حمایتگری از اقتصاد بوده که این نوع حمایت‌گری تعیین‌کننده نوع نظام سیاسی بوده است. امروزه در دولت‌ها حمایت‌گری، سیاست اقتصادی جلوگیری از تجارت بین کشورها از طریق وضع تعرفه بر کالاهای وارداتی، محدودسازی حجم واردات و شماری دیگر از ضوابط دولتی است که این سیاست با تجارت آزاد، که در آن موانع دولتی باید حداقل نگه داشته شوند، تضاد دارد. این سیاست در سالیان اخیر در راستای جنبش‌های ضد جهانی‌سازی بوده است و مانع اصلی نیل به توسعه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نفوذ پررنگ دولت در اقتصاد در قالب حمایتگری است. در ساده‌ترین حالت حمایتگری از اقتصاد باعث رکود اقتصاد شده و اجازه تحول و پیشرفت را از آن می‌گیرد. حمایتگری از اقتصاد در بعد کلان نظام‌های سیاسی را به نظام‌های سوسیالیستی تبدیل کرده است و رویکرد سوسیالیستی به اقتصاد در بسیاری از کشورها عامل اصلی عقب‌ماندگی این کشورها بوده است و امروزه این رویکرد به عنوان تجربه‌ای شکست خورده از آن یاد می‌شود، اما متأسفانه بسیاری از کشورها هنوز بر این شیوه به دلایل مختلف برای اداره امور اصرار دارند. لازم به ذکر است اقتصاد آزاد هر جا باشد، خاصیت تصفیه‌گری دارد و همه چیز را پالایش می‌کند. کار اقتصاد آزاد پالایش‌گری است. در چنین اقتصادی؛ استعداد، کیفیت و قیمت پالایش می‌شود و هر آنچه با کیفیت و دارای قیمت مناسب است در بازار دوام می‌آورد. در این وضعیت کارآفرینی به وجود خواهد آمد و کارآفرینان بزرگ رشد خواهند کرد. برای فهم بهتر این موضوع

وضعیت آزادترین و بسته‌ترین اقتصادهای جهان بر اساس آمار بنیاد هریتیج^۱ در اینفوگرافی زیر ارایه شده است.



شکل ۲: وضعیت آزادی اقتصادی کشورهای جهان در سال ۲۰۱۸ (بنیاد هریتیج)^۱

آنچه وضعیت این کشورها نشان می‌دهد عموماً کشورهای توسعه یافته، کشورهایی با درجه آزادی اقتصادی بالایی هستند و همه کشورهای عقب مانده و فاقد توسعه مانند؛ کره شمالی، ونزوئلا و برخی کشورهای آفریقایی کشورهای دارای اقتصادی تماماً دولتی و بسته هستند. در ایران نیز وضعیت مطلوب نیست و به لحاظ رتبه‌بندی آزادی اقتصادی در بین کشورهای افغانستان و آنگولا قرار گرفته است. همچنین

^۱ <https://www.heritage.org/>

در ایران به دلیل وجود اقتصادی شبیه اقتصادی سوسیالیستی توسعه و سیاست‌گذاری‌های آن عموماً با شکست مواجهه بوده و بعد از گذشت سال‌ها از برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای و برنامه‌های توسعه‌ای اول تا ششم، هنوز هم از لحاظ دسترسی به برخی شاخص‌های اصلی توسعه نه تنها پیشرفتی حاصل نشده، بلکه در مواردی عقب‌گردهایی نیز تجربه شده‌اند. مهمترین پیامد نامطلوب حمایت‌گری اقتصادی در ایران تمایل شدید دولت‌ها برای دخالت در همه حوزه‌های اقتصادی بوده که در موارد بسیار زیادی کوچکترین صلاحیتی در آن نداشته است. برای مثال پیمانکاری دولت در ساخت جاده، پل‌ها، سدها، کارخانه‌های بزرگ صنعتی، پروژه‌های انتقال آب، انرژی و هر بخش مولد دیگری که دولت پیمانکار آن بوده است، یا پروژه‌های بدون کارشناسی، زمان‌بر، شدیداً هزینه‌بر و بعضاً بدون ملاحظات زیست محیطی بوده‌اند. از مصادیق بارز این سیاست‌گذاری‌های غلط و بدون تخصص تمرکز صنایع آب‌بر در مناطق کویری و کم آب ایران بوده که امروزه پروژه‌های انتقال آب عملاً کشور را وارد بحران جدی نموده است. بنابراین دخالت‌های مکرر دولت در این حوزه‌ها نه تنها دست‌آورد چشم‌گیری برای دولت و مردم نداشته، بلکه با هزینه‌های چند برابری و در زمانی طولانی منابع بیشتری از کشور در قالب رانت و امثالهم در فرایند انجام پروژه‌ها هدر رفته است. بدون شک این سیاست‌گذاری‌ها و این پروژه‌ها همه باید توسط بخش خصوصی با نظارت دولت انجام شوند، تا به نتیجه مطلوبی برسد، اما رانت ایجاد شده این پروژه‌ها برای برخی مدیران، این القا را در مدیریت به وجود می‌آورند که دولت می‌تواند در همه حوزه‌ها مدیریت کند و نتیجه آن حس مالکیت کشور به ویژه مالکیت تمام بخش‌های اقتصادی آن توسط دولت در ایران شده است. امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، همه مسایل اقتصادی به بخش خصوصی سپرده شده و دولت فقط نظارت و ارزیابی این پروژه‌ها را بر عهده دارد و در حوزه‌هایی که صلاحیت ندارد، عملاً هیچ دخالتی ندارد و تمایلی به مدیریت هم در آن حوزه‌ها ندارد. مساله دخالت دولت در همه بخش‌های اقتصادی کشور ناشی از تجربه تاریخی کشور است و این مهم به دلیل گرفتار بودن کشور در وضعیتی است که از آن به عنوان استبداد شرقی یاد می‌شود. تجربه تاریخی در ایران نشان داده که جامعه احساس کلی‌اش این است که شاه، حاکم یا دولت؛ دارنده و مالک کشور هستند و در نتیجه می‌توانند روی هر حوزه‌ای اعمال نفوذ کنند. بنابراین در گام اول مردم خود اجازه این اعمال نفوذ را به حاکمیت داده‌اند و در مقابل دولت را مسئول همه ناکامی‌ها و مسایل معرفی می‌کنند و نقشی برای خود در تاثیرگذاری بر جریان‌ات مهم کشور قایل نیستند. بنابراین یکی از مهمترین پیشران‌های ملی در ایران برای نیل به توسعه و سیاست‌گذاری دقیق آن کاهش نقش مداخله‌گری دولت در حوزه اقتصادی به مرور است. در این راستا دولت می‌تواند رفته

رفته نفوذ اقتصادی خود در جامعه را کم کرده و برای کوچکتر شدن دولت اقداماتی اساسی مانند واگذاری بخش‌های زیادی از اقتصاد به بخشی خصوصی از نقش حمایتگری به نقش نظارت‌گری برآید. کوچکتر شدن دولت به منزله چابکتر شدن آن در فرایند دسترسی به پیشرفت و توسعه است و دولت فربه در راستای توسعه نه تنها توان دویدن ندارد، بلکه از راه رفتن معمولی نیز عاجز است.

پیشران تأمین مالی از طریق گردشگری

سیاستگذاری گردشگری مهمترین ابزار توسعه است و بررسی سیاست‌گذاری‌های دولت و دستگاه‌های مرتبط در خصوص صنعت گردشگری در برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی با هدف ارائه الگویی که در قالب آن نظام سیاستگذاری کارآمدی که به توسعه پایدار صنعت گردشگری کشور بیانجامد ضرورت اصلی کشور است (Nouri & Shojaei, 2007, p. 1). چشم‌انداز توسعه کشورها عموماً تصویری از آینده‌های روشن است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در افق‌های زمانی بلندمدت برای کشور و مردم خود در نظر دارند. این چشم‌انداز علاوه بر اینکه امیدبخش توسعه آتی کشور خواهد بود، نقشه راه پیش‌روی برنامه‌های اجرایی کوتاه‌مدت را نیز ترسیم خواهد کرد. همراستا با سند چشم‌انداز توسعه ۱۳۰۴ ایران، متولیان میراث فرهنگی و گردشگری نیز با پایه قراردادن سال ۱۴۲۴ چشم‌اندازی ۵۰ ساله تدوین کرده‌اند. با تغییر در سیاست‌های بین‌الملل ایران بارقه‌های امید برای تحقق این اهداف با رشد گردشگران ورودی به ویژه در شش ماهه نخست ۹۴ به وجود آمد. به منظور دستیابی به برنامه‌ای اجرایی که قابلیت دستیابی به اهداف را فراهم آورد ابتدا لازم است تا خطوط کلی در سطوح کلان و در قالب اسناد فرادست تبیین شده تا نقشه راه و تصویری از آینده پیش‌رودر مسیر توسعه شکل گیرد (Shojaei & Torab-Ahmadi, 2014, p.450). در خصوص بحث گردشگری در قانون اساسی و سند چشم‌انداز ایران؛ باید گفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان اساسنامه و مهم‌ترین سند زیربنایی کشور که بخش عمده‌ای از مفاد آن سازوکارها و نحوه اداره امور کشور را معین می‌کند، هیچ‌گونه اشاره‌ای به گردشگری و مفاهیم پیرامون آن (ایرانگردی، جهانگردی، میراث فرهنگی و نظایر آن) و ساختار نهادی آن نکرده است. البته در قانون برنامه ششم توسعه، مواد ۹۷، ۹۸، ۹۹ و ۱۰۰ به صورت مشخص به حوزه‌های فعالیت صنعت گردشگری مربوط می‌گردد و همزمان با اجرایی شدن قانون برنامه ششم توسعه و فعالیت‌های مرتبط با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، تصویب سند راهبردی توسعه گردشگری و هیات امنایی نمودن اداره اماکن تاریخی در دستور کار قرار گرفت. گزارشی که از سوی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در سال ۱۳۹۶ منتشر شد، مبنی بر توسعه فعالیت‌ها و رونق بخشیدن به معاونت‌های

مختلف وزارت خانه در جهت تحقق اهداف سند چشم انداز است. در این گزارش ایجاد تعامل با دستگاه‌های خصوصی و دولتی، هویت بخشی و برندسازی در حوزه صنایع دستی، ایجاد تشکلهای غیر دولتی از جمله نقاط قوت فعالیت‌های انجام شده تاکنون به شمار می‌روند. با این حال عدم بهره‌گیری از شیوه‌های علمی، ارائه رویکرد یکپارچه و منسجم، عدم برنامه راهبردی مدون، عدم همکاری برخی دستگاه‌های اجرایی از جمله نقاط ضعف از سوی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بیان شده‌اند (Inanlou, 2019). در همین راستا دولت‌ها به دلایل مختلفی چون پیشبرد توسعه اقتصادی، حمایت از صنایع، تأمین درآمد، ایجاد محیط باثبات اقتصادی و تأمین سایر اهداف سیاسی‌اش، در امور گردشگری مداخله می‌کنند که در این زمینه فعالیت‌های دولت را می‌توان در چهار گروه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، توسعه و قانون‌گذاری طبقه‌بندی کرد. از آنجا که سیاست، تعیین کننده مسیر است؛ از میان چهار نقش مطرح شده برای دولت، سیاستگذاری اهمیت بیشتری نسبت به سایر نقش‌ها دارد؛ و چون که ارائه تعریف دقیقی از گردشگری به دلیل دخالت بسیاری از بخش‌های مختلف اقتصادی دشوار است، چالش‌های متعددی در زمینه توسعه سیاست‌گذاری هم وجود دارد (Shalbafian et al., 2014, p.1). بی‌تردید ایران از نظر گردشگری تاریخی، فرهنگی، طبیعی و مذهبی، جاذبه‌های فراوانی دارد. به گونه‌ای که بیش از هر کشوری در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا و حتی ترکیه، آثاری از آن در سازمان یونسکو ثبت شده است. با این حال علیرغم اهمیت صنعت گردشگری از یک سو و جایگاه فرهنگی، تاریخی و طبیعی ایران از سوی دیگر در حوزه گردشگری، برنامه جامع و یکپارچه بر این اساس تدوین نشده است. اگرچه قوانینی در این حوزه لحاظ شده است، با این حال بدون داشتن رویکرد استراتژیک و تدوین برنامه منسجم، یکپارچه که در راستای تحقق چشم انداز، اهداف و مأموریت گردشگری در ایران لحاظ شده باشد، نمی‌توان حتی شاهد عینی ارقام و آمارهای مد نظر در تاسیس و راه اندازی زیر ساخت‌های گردشگری بود. وجود یک برنامه نظام‌مند گردشگری در قالب سیاست‌گذاری‌هایی که هم‌راستا با برنامه‌های توسعه کشور باشد، می‌تواند پیشران مهمی برای توسعه کشور باشد.

پیشران حمایت از پروژه‌های اقتصاد سبز و بازده اجتماعی

یکی از پیشران‌های اقتصادی مهم در توسعه حمایت مالی بانک‌های جهانی از پروژه‌های توسعه‌ای است. در همین ارتباط بانک توسعه جدید یا بانک بریکس (NDB) در پنج کشور برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی به منظور حمایت از توسعه فعالیت می‌کند. این بانک بیشتر بر روی پایداری، بر تأمین مالی سبز، بر فناوری‌های سبز و انرژی‌های تجدیدپذیر متمرکز است. سیاست‌های حمایت مالی این بانک به وام‌گیرندگان به گونه‌ای است که باید نتیجه محور باشد و کشور استفاده کننده از وام‌های بانکی باید

بتواند ضمن مشارکت در روند توسعه بر مبنای پایداری، وام دریافتی را به این بانک بازپرداخت کند، تا سایر کشورهای در حال توسعه نیز بتوانند از چنین موقعیتی به نفع توسعه خود استفاده کنند. رویکرد رایج در کشورهای عضو بریکس، به نفع تعادل بین توسعه اقتصادی و توسعه پایدار است. برای مثال، استراتژی مشارکت اقتصادی بریکس، نیاز به ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر و زیست محیطی پایدار و همکاری را برجسته می‌کند. با این حال، استفاده از سوخت‌های فسیلی را رد نمی‌کند، بلکه ترجیح می‌دهد «استفاده کارآمد و سازگار با محیط‌زیست از سوخت‌های فسیلی» را ترویج کند. همچنین در سطح ملی، توسعه اقتصادی اغلب بر پایداری زیست محیطی و اجتماعی اولویت داده شده است. با این وجود، راه‌حل‌های «پایدار» مانند انرژی‌های تجدیدپذیر به طور فزاینده‌ای بیش از راه‌حل‌های سنتی مقرون‌به‌صرفه هستند ([Bertelsmann-Scott et al., 2016, p.17](#)).

پیشران همگرایی جهانی برای توسعه

توسعه اگر هدفی جهانی و تعریف شده برای همه باشد، دستیابی به آن راحت خواهد بود، چرا که توسعه یافته‌ها نیز می‌تواند تجارب خود را برای کشورهای در حال توسعه به اشتراک بگذارند و بازوی پشتیبانی قوی برای رسیدن همه کشورها به توسعه باشند. بر اساس قوانین جهانی همه کشورها حق توسعه دارند، یعنی حق برخورداری از استانداردهای زندگی رو به رشد و در نهایت همگرایی استانداردهای زندگی با کشورهای پردرآمد امروزی را دارند. نگرانی در مورد محیط زیست نباید بهانه‌ای برای کشورهای پردرآمد امروزی باشد تا آرزوهای اقتصادی کشورهای در حال توسعه را ناکام بگذارند. نکته کلیدی این است که همه کشورها، اعم از غنی و فقیر، فناوری‌ها و رفتارهای پایداری را اتخاذ کنند که رشد اقتصادی را از الگوهای ناپایدار تولید و مصرف جدا می‌کند. از طریق رشد اقتصادی گسترده و پایدار، همه کشورهای درآمد پایین باید تا سال ۲۰۳۰ بتوانند به آستانه درآمد سرانه کشورهای با درآمد متوسط برسند. کشورهای با درآمد متوسط نیز تا سال ۲۰۳۰ بسته به نقطه شروع آنها یا به ثبات یا به درآمد کشورهای بالا نزدیک شوند و چنین رشد اقتصادی باید به نفع همه شهروندان باشد ([United Nations Development Programme, 2018](#)). همگرایی جهانی برای توسعه مسیر توسعه را هموارتر کرده و زمینه توسعه یافتگی کشورهای فقیر را نیز فراهم خواهد کرد. بنابراین همگرایی جهانی توسعه به عنوان یک پیشران جهانی می‌تواند امیدواری عمیقی برای همه کشورها در مسیر توسعه فراهم کند.

پیشران جداسازی اقتصاد از محیط زیست

مساله توسعه امروزه نباید وابسته به تخریب محیط زیست و منابع طبیعی باشد. دقیقاً به همین خاطر در کشورهای توسعه یافته برای پایداری توسعه، سیاست جداسازی اقتصاد از محیط زیست یک پیشران مهم

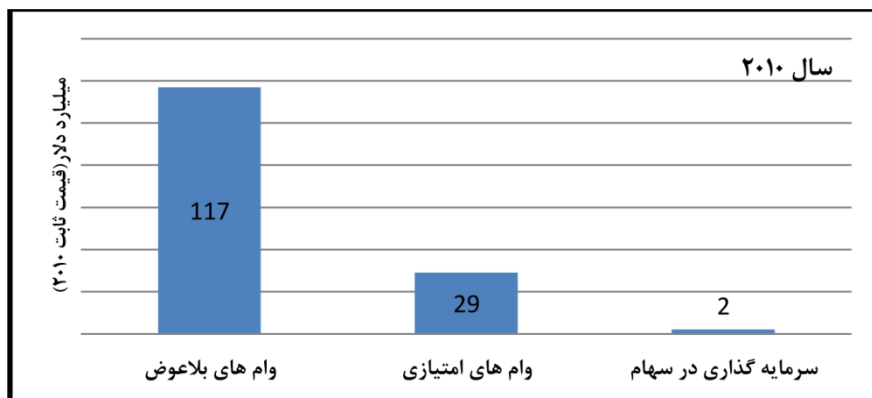
در سطح بین‌المللی است. همچنین مسیرهای توسعه پایدار باید رشد اقتصادی را از استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی جدا کند و در نتیجه سطح بهره‌وری از منابع غیر تجدید پذیر روندی نزولی به خود بگیرد. بنابراین مهمترین سیاستگذاری اقتصادی که به نحوی پیشران زیست محیطی هم تلقی می‌شود اهمیت تفکیک اقتصاد از محیط زیست است. به عبارت دیگر نباید در راستای توسعه رشد اقتصادی به بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی گره بخورد. بنابراین جداسازی یک شرط اساسی توسعه پایدار است. جداسازی و تفکیک در اقتصاد و منابع طبیعی به یک رویکرد کل نگر برای دگرگونی کل اقتصاد در رابطه با استفاده از انرژی و استفاده از منابع و مواد نیاز دارد. در همین ارتباط در سطح جهانی اقدامات بهره‌وری انرژی و سیستم‌های انرژی کم کربن (تجدیدپذیرها، هسته‌ای، جذب و ذخیره کربن) می‌توانند افزایش مصرف انرژی را از انتشار دی اکسید کربن جدا کنند. امروزه در بیشتر موارد به ابزارهای بهبود یافته نیاز است، تا برای جدا کردن پیشرفت اقتصادی از منابع زیست محیطی، سیاستگذاری نوینی اتخاذ شود که از طریق اقدام هماهنگ و حل مشکلات عملی توسط دولت‌ها، جامعه مدنی، علم و دانشگاه عملیاتی شود ([Kapucu & Beaudet, 2020, p.100](#)). با توجه به گستردگی اقتصاد در حوزه‌های مختلف لازم است این جداسازی در بسیاری از این حوزه‌ها دنبال شود. برای مثال در حوزه کشاورزی باید اقتصاد کشاورزی از اقتصاد مبتنی بهره‌وری صرف به اقتصاد کشاورزی پایدار تفکیک صورت گیرد. در همین ارتباط کشاورزی درست، انواع محصولات بهبود یافته، مدیریت آب کارآمد، شیوه‌های مزرعه‌داری بدون فرسایش خاک، افزایش بازده مواد غذایی، استفاده پایدار از آب، استفاده کم مواد شیمیایی و استفاده از کودهای ارگانیک باید مبنای اقتصاد کشاورزی باشند و درآمدهای حاصل از کشاورزی باید در چنین شرایطی محقق شوند. در حوزه‌های شهری نیز احداث ساختمان‌های سبز، شبکه‌های هوشمند و سیستم‌های حمل و نقل بهبود یافته می‌توانند شهرنشینی را از افزایش مصرف انرژی شهری جدا کرده و استفاده موثر از زمین را تضمین کنند. به طور کلی توسعه پایدار بدون تضمین پایداری زیست محیطی و دنبال کردن اقتصاد سبز، به معنای جدا کردن پیشرفت اقتصادی از آسیب‌های زیست محیطی ناشی از انسان، محقق نمی‌شود. علیرغم افزایش آگاهی عمومی، چالش‌های زیست محیطی وحشتناک در طول بیست سال گذشته به طور قابل توجهی بدتر شده است. تغییرات آب و هوا، آلودگی و مدیریت نامناسب مواد شیمیایی، استفاده ناپایدار از آب، کشاورزی ناپایدار و شهرهای ناسالم همه و همه از مهمترین پیامدهای نامطلوب توسعه غلط بوده‌اند. از طرف دیگر از دست دادن گسترده تنوع زیستی، بیماری‌های نوظهور، جنگل زدایی، بیابان‌زایی و تخریب اقیانوس‌ها رشد شتابانی یافته و با این تخریب شتابان هر لحظه زمین محل ترسناکی برای زندگی در آینده

خواهد بود. بنابراین معکوس کردن این روندها برای حفظ زمین یک ضرورت کاربردی است که با سیاستگذاری صحیح حوزه پایداری محیط زیست می‌توان به چنین توسعه‌ای دست یافت. در همین راستا کشورهایی دارای سیاستگذاری‌ها و استراتژی‌های بلندمدت برای رسیدگی به این چالش‌های و درک محیطی و حل مشکلات در مقیاس محلی، ملی و جهانی بسیار کم هستند. بدون شک امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه سیاست‌گذاران عموماً به اندازه کافی با مقیاس چالش‌های زیست‌محیطی آشنا نیستند و بیش از حد بر اهداف کوتاه مدت متمرکز هستند و بیش از حد تحت تأثیر منافع هستند که در برابر گذار به پایداری مقاومت می‌کنند. اغلب سیاست‌های زیست‌محیطی که با این باور باید به سمت رشد اقتصادی بروند، به خطر می‌افتند. بنابراین جدا کردن پیشرفت اقتصادی از آسیب‌های زیست‌محیطی پیمان مهمی برای توسعه است.

پیمان تامین مالی خارجی

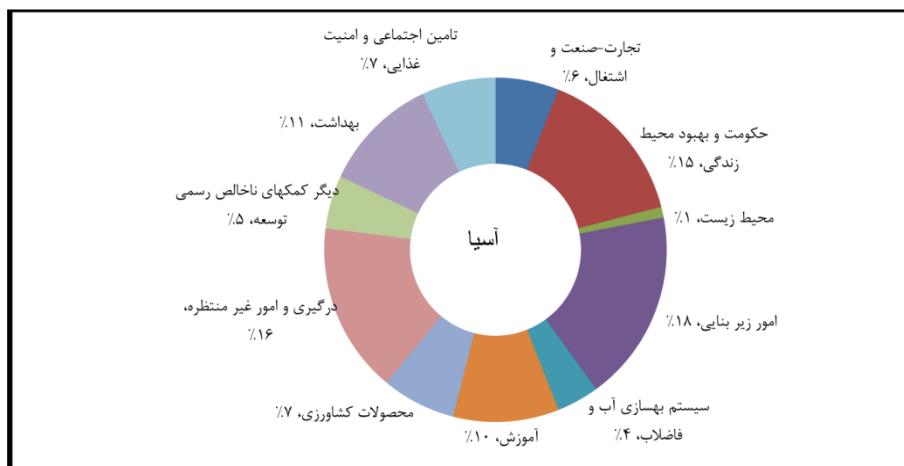
اغلب کشورهای در حال توسعه به منظور دسترسی به یک توسعه پایدار به حمایت‌های مالی هماتایان توسعه یافته خود نیاز دارند. این کمک‌های مالی در قالب وام‌های خارجی می‌تواند روند توسعه برخی مناطق غیر برخوردار را شتاب ببخشد. وام‌های خارجی برای موفقیت سیاست‌گذاری‌های توسعه یک شمشیر دولبه هستند. در صورت پایدار بودن، می‌توانند به دولت‌هایی که برای زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی به شدت به بودجه نیاز دارند، کمک کنند. البته اگر این وام‌ها در راستای سیاستگذاری‌های توسعه هزینه نشوند، ضمن مضر بودن برای توسعه اجتماعی-اقتصادی پایدار باعث بدهی دولت‌ها نیز می‌شوند. وام‌های خارجی عموماً با هدف کاهش فقر، امنیت غذایی، مراقبت‌های بهداشتی خوب، آموزش با کیفیت و آب نوشیدنی سالم به کشورهای فقیر پرداخت می‌شوند (Roe et al., 2019, p.4) و شمار زیادی از کشورهای توسعه یافته به دلایل فوق به کشورهای فقیر وام داده‌اند، اما اختصاص دادن این وام‌ها به فعالیت‌های زیست‌محیطی و توسعه‌ای می‌تواند روند سیاست‌گذاری‌های توسعه را متفاوت کند. کمک‌های رسمی بین‌المللی در قالب کمک‌های توسعه‌ای، اجزا یا مؤلفه‌های متفاوت زیادی را در برمی‌گیرد، از راه‌های بی‌شماری به مقصد می‌رسد و برای اهداف بی‌شماری نیز استفاده می‌شود، بخشی از آن به عنوان منبع مالی مستقیم تحویل داده می‌شود و بخشی نیز به عنوان کالایی چون غذا تحویل داده می‌شود. کمک‌ها ممکن است کشورها و مناطق را مستقیم حمایت کند یا بر کالاهای عمومی جهانی مانند تحقیقات تمرکز کند. همچنین کمک می‌تواند به عنوان وام‌های بلاعوض بدون نیاز به بازپرداخت و یا وام‌های امتیازی پرداخت شود، وام‌های امتیازی باید بازپرداخت شوند، اما دوره بازپرداخت آنها بلندمدت است و با

نرخ بهره‌ای زیر نرخ بهره استاندارد بازار باز پرداخت می‌شوند. البته حجم بسیار کوچکی از کمک‌ها نیز، به صورت سرمایه‌گذاری در سهام است که باید هدف توسعه‌ای ویژه‌ای را دارا باشد (Emami & Azadvar, 2015, p.104).

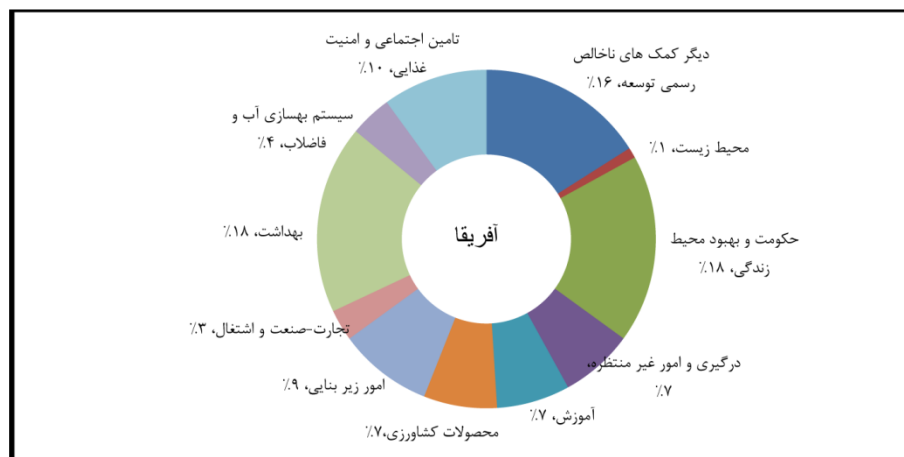


شکل ۳: عوامل تشکیل‌دهنده کمک‌های رسمی توسعه (Emami & Azadvar, 2015, p.104)

در سال ۲۰۱۰ تقریباً چهار پنجم از کمک‌های رسمی توسعه توسط اهداکنندگان در شکل وام‌های بلاعوض پرداخت شده است و نزدیک به ۱۹ درصد به شکل وام‌های امتیازی (حمایتی) و یک درصد نیز به صورت سرمایه‌گذاری در سهام بوده است. البته در چند سال اخیر تمایل اهداکنندگان کمک به وام‌های امتیازی افزایش داشته است و حجم وام‌های امتیازی حدود ۲۵ درصد از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ رشد داشته است. همانطور که عنوان شد کمک‌های توسعه‌ای فرا ملی از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه متنوع هستند و هدف اصلی این کمک‌ها عمول نیل کشورها به توسعه است. این کمک‌ها که از آنها به عنوان کمک‌های رسمی توسعه یاد می‌شود، اهداف وسیعی را مورد حمایت قرار می‌دهند. از توسعه اجتماعی و تولید اقتصادی تا بهبود محیط زندگی و پیشگیری از جنگ و درگیری را شامل می‌شود. اهداف حمایتی توسعه معمولاً به ده قسمت تقسیم می‌شود. حجم کمک به هر کدام از این بخش‌ها در طول ۱۰ سال گذشته، رشد متفاوتی را تجربه کرده است. کمک از حکومت و به طور وسیع‌تر از توانمندسازی یا بهبود محیط زندگی، تا فضاهاى حکومت و جامعه مدنى را شامل شده است. به طور کلی این نوع حمایت در کشورهای آسیایی و آفریقایی به شیوه‌های مختلفی اعمال شده که در نمودارهای زیر این سهم‌ها مشخص شده‌اند.



شکل ۴: اهداف حمایتی کمک‌های رسمی توسعه در آسیا در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۰ (Emami & Azadvar, 2015, p.105)



شکل ۵: اهداف حمایتی کمک‌های رسمی توسعه در آفریقا در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۰ (Emami & Azadvar, 2015, p.105)

به طور کلی اگر کمک‌های خارجی هدایت شده و مدیریت شده نباشد در بخش وام‌های امتیازی ممکن است بدهی‌های خارجی سنگین برای توسعه پایدار ایجاد کند. امروزه دامنه این کمک‌ها وسیع‌تر شده و علاوه بر کمک برای فقر زدایی فعالیت‌هایی مانند حفاظت از اکوسیستم دریایی را نیز در بر گرفته‌اند. بر اساس نتایج و شواهد موجود کمک‌های توسعه‌ای در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تأثیرات عمیق

توسعه‌ای بر جای نهاده‌اند و عملاً در این کشورها مهمترین پیشران توسعه بوده‌اند. بنابراین در ایران نیز برای نیل به توسعه سیاست‌گذاران باید به دنبال جذب کمک‌های مالی خارجی در قالب وام‌های توسعه‌ای باشند.

پیشران تغییر بازار کار

امروزه بسیاری از مشاغل در حوزه‌های بین‌المللی به شدت تحت‌تأثیر تغییرات موجود، دچار تغییرات ساختاری عمده‌ای شده و مشاغل مناسب امروزه به طور فزاینده‌ای مبتنی بر دانش و مهارت شده‌اند. دستمزد نیروی کار غیر ماهر در شرکت‌های بین‌المللی و بزرگ به شدت در حال کاهش است و تخصص‌گرایی شغلی بیش از هر زمان دیگری بازار مشاغل را در عرصه ملی و فراملی دگرگون کرده است. بر همین اساس امروزه برای موفقیت سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای کشورها لازم است نیروهای جوان و منابع انسانی خود را برای رقابت در بازار جهانی آماده کنند و عدم توانایی این کشورها در آماده‌سازی نیروهای انسانی خود برای رقابت در بازار کار رقابتی جهانی مهمترین چالش توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه است. با این حال، ارتقای مهارت‌ها و ارائه آموزش با کیفیت برای همه کشورها بسیار پیچیده است و در این راستا به نهادهای پیچیده در سطح ملی و محلی نیاز است. برای مثال، کشورها به طور سنتی برای اتخاذ الگوهای موفق آموزش حرفه‌ای از جاهای دیگر تلاش می‌کنند و یافتن راه‌های بهتر برای آماده‌سازی جوانان برای یک بازار کار در حال تغییر با ارائه آموزش با کیفیت بالا از پیش‌دبستانی تا سطوح عالی به یک اولویت اصلی تبدیل می‌شود (SDSN, 2013, p.6).

در ایران نیز به دلیل متأثر بودن از بازارهای جهانی و پیشرفت‌های جدید، بسیاری از مشاغل در حال از بین رفتن هستند و مشاغل جدیدی به وجود خواهند آمد. پیش‌بینی می‌شود در چند سال آینده کارگران و کارمندان زیادی باید به واسطه خودکارسازی مشاغل حرفه‌ای خود را تغییر دهند. در ایران بیشترین خطر متوجه مشاغل فیزیکی در فضاهایی قابل پیش‌بینی مانند اپراتور دستگاه‌ها، کارگران صنعتی و کارمندان اداری است و نیروهای کار برای اینکه بتوانند بقای خود را در این شرایط حفظ کنند باید با آموزش دوباره در زمینه‌ای متفاوت کنار بیایند و دولت‌ها و شرکت‌ها نیز باید به تلافیف این روند گذار دشوار به آنها کمک کنند. از طرفی هم به وجود آمدن استارت‌آپ‌ها وضعیت متفاوتی در دنیای کسب و کارها ایجاد کرده‌اند و دیگر به نظر می‌رسد نیروهای پیشران توسعه نه بازیگران کسب و کارها، بلکه اپلیکشن‌های قدرتمند بازارها هستند و اکنون باید به فکر آن بود که آموزش و یادگیری در کل دوران حرفه‌ای باید ادامه داشته‌باشد تا کارگرانی که با فراگیری مهارت‌های جدید همسو باشند، بتوانند شغلی جدید بیابند. بنابراین رصد بازار کار در ایران برای حفظ آینده یکی از پیشران‌های مهم توسعه است که باید از اکنون به فکر آن بود.

پیران ظهور شرکت‌های چند ملیتی

ظهور شرکت‌های چند ملیتی یکی از بارزترین نشانه‌های جهانی‌سازی اقتصاد است که با ظهور این گونه شرکت‌ها تجارت بین‌الملل نیز دچار تحول شد و پس از آن وضعیت بسیاری از کشورها به واسطه چنین شرکت‌هایی از حالت در حال توسعه به توسعه یافته تغییر کرد. همچنین سیستم‌های تولید جهانی و ظهور شرکت‌های چند ملیتی با ایجاد ارزش افزوده زیاد برای کشورهای مبدأ و رفع نیازهای اقتصادی کشورهای مقصد زمینه تحول در دو کشور مبدأ و مقصد را فراهم آورد. در چنین وضعیتی زنجیره‌های تامین بیشتر محصولات صنعتی سراسر جهان را در بر گرفت و خدمات به طور فزاینده‌ای در فراسوی مرزها ارائه شد. بسیاری از کشورهای کم درآمد بیش از هر زمان دیگری فرصتی برای پیوستن به یک سیستم تولید بین‌المللی پیدا کردند و شرکت‌های چند ملیتی به بازیگران مهم‌تر در اقتصاد جهانی تبدیل شدند. همچنین کشورهایی که سهم بالایی در اقتصاد جهانی به واسطه داشتن چندین شرکت فراملی و چند ملیتی پیدا کرده بودند، به سرعت مسیر توسعه یافتگی را طی کردند (SDSN, 2013, p.6). بازار جهانی کسب و کار از مرزهای سرزمین خارج شده و کسب و کارها به خاطر ماهیت خود و زنجیره تامین ناچار هستند فراتر از کشورها و مرزهای آنها فعالیت داشته باشند. بنابراین کشورهای در حال توسعه در موارد زیادی نیاز به ادغام در این بازارها را دارند و باید با این شرکت‌های چندملیتی در راستای رسیدن به توسعه همکاری و تعامل داشته باشند.

پیران توسعه راه‌های تجاری

احداث راه‌های مواصلاتی اعم از آزادراه‌ها، بزرگراه‌ها، راه آهن و... یکی از مهمترین شاخصه‌های توسعه یافتگی در مناطق هستند. وجود شبکه حمل و نقل و جاده های ایمن و مناسب برای دسترسی و ارتباط با سایر مراکز مهم کشور و خارج از کشور است که به گفته بسیاری از کارشناسان تاثیر این عامل بر رشد و گسترش سایر عوامل توسعه انکارناپذیر است و زمینه توسعه از جهات مختلف را فراهم می‌آورند. در همین راستا یک شعار چینی وجود دارد که بیان می‌کند «اگر می‌خواهید ثروتمند شوید، جاده بسازید». این شعار در تجربه داخلی چین تجسم یافته است، جایی که سرمایه‌گذاری زیرساختی یک استراتژی رشد مرکزی بوده است. این مفهوم به یک فلسفه گسترده‌تر در گفتمان چینی پیوند می‌خورد که فقرزدایی را به صلح و ثبات مرتبط می‌کند و رشد اقتصادی را راهی برای دستیابی به هر دو می‌داند. در مجامع همکاری چین و آفریقا در سال ۲۰۱۵، سخنرانی رئیس جمهور شی به سران کشورهای آفریقایی بر تعهد چین به ظرفیت‌سازی آفریقا برای ارتقای توسعه و تقویت زیرساخت‌ها تأکید کرد: «فقر علت اصلی هرج و مرج است در حالی که صلح تضمین توسعه است». در همین ارتباط در سی سال گذشته کشور چین اولین خط

آهن در آفریقا را با حمایت مالی از بانک صادرات و واردات چین و توسط شرکت‌های دولتی چین از تانزانیا به زامبیا کلید زده است. علاوه بر این در کشورهای اتیوپی و کنیا ساخت و سازهای قابل توجهی تحت حمایت طرح کمربند و جاده‌ای بین‌المللی سریع بوده‌اند که رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ در پاییز ۲۰۱۳ از آن رونمایی کرده است و کشور نیجریه نیز به عنوان بزرگترین اقتصاد آفریقای غربی، از این قاعده مستثنی نبوده است (Chen, 2018, p.4). سرمایه‌گذاری زیرساختی چین در آفریقا بخش کلیدی این همکاری بوده است و ساخت راه آهن یادآوری برجسته از حضور چین در این قاره است. ی‌ساخت‌های راه آهن در نیجریه می‌تواند منجر به مزایای اقتصادی قابل توجهی در بلندمدت، ایجاد مشاغل و آموزش مهارت‌ها و ارتقای تجارت شود. اینها در شمال شرق و جنوب، جایی که فقر بومی به ناامنی و بی‌ثباتی کمک کرده است، موهبت خاصی خواهد بود. با این حال، همان پروژه‌ها در عین حال آسیب‌پذیر هستند و نگرانی‌های امنیتی و هم در برابر چالش‌های سیاسی داخلی که می‌تواند حیات اقتصادی پروژه‌ها را تهدید کند و نابرابری‌های منطقه‌ای را در داخل کشورها تشدید کند (Chen, 2018, p.5). برای بسیاری از کشورها سرمایه‌گذاری در توسعه راه‌ها فرصت‌های شغلی و تجاری زیادی برای جوامع محلی ایجاد می‌کند و صنایع محلی زودتر از سایر کشورها از آن منتفع می‌شود و به نوبه خود می‌تواند به تسریع تحول ساختاری و توسعه اقتصادی منجر شود. همچنین سرمایه‌گذاری در توسعه راه‌ها می‌تواند تراکم صنعتی بیشتر در امتداد کریدورهای اقتصادی را ممکن می‌کند. البته لازم به ذکر است که چنین پروژه‌هایی نباید فقط به اشتغالزایی منجر شوند، بلکه باید در بلند مدت مهارت‌ها و انتقال فناوری را نیز ارتقا می‌دهند و سایر صنایع بالادستی و مادر را از کشور مبدأ به کشورهای در حال توسعه را انتقال دهند (Chen, 2018, p.11). این تجارب و بسیاری موارد مشابه نشان می‌دهند که توسعه راه‌ها مستقیماً توسعه جوامع را رقم می‌زنند و توسعه راه‌ها نه تنها به عنوان یک پیشران، بلکه عامل تعیین‌کننده خود توسعه مورد توجه هستند. این پیشران در ایران نقش مهمتری دارد، چرا که قرار گرفتن ایران در مسیر کریدورهای مهم جهانی با راه‌های مناسب و مدرن می‌تواند سهم بالایی از بازار تردد و حمل و نقل و توسعه داخلی را به خود اختصاص بدهد.

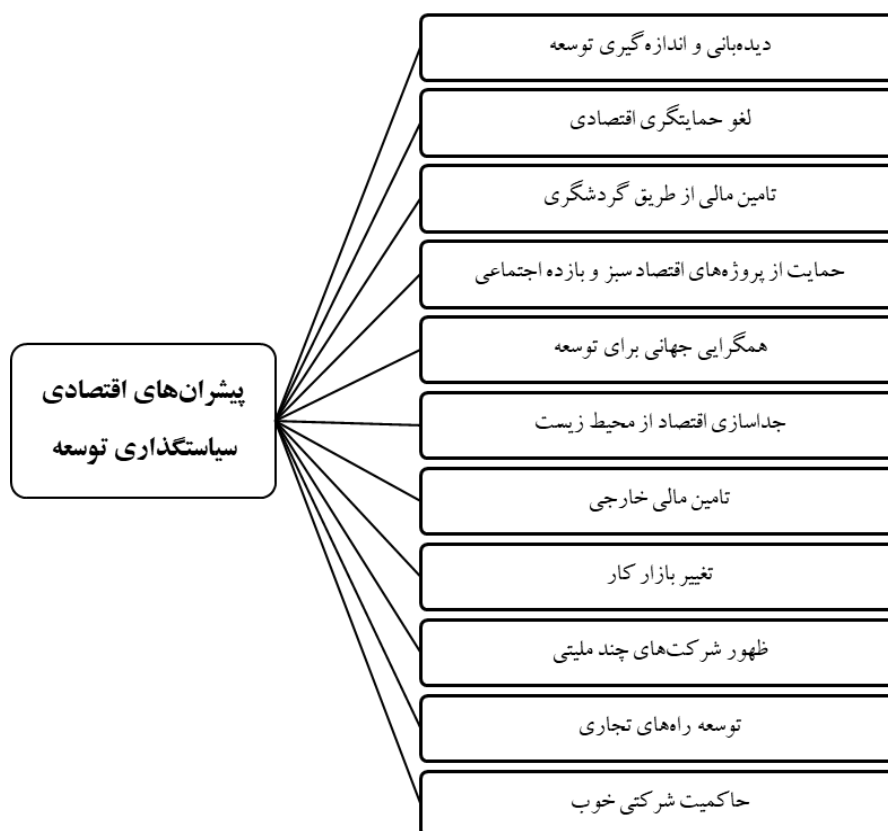
پیشران حاکمیت شرکتی خوب

اهداف جهانی توسعه در کنفرانس جهانی توسعه پایدار (۲۰۲۰) با موفقیت توجه جهان را بر پایان دادن به فقر شدید در همه اشکال آن و کاهش نابرابری جنسیتی متمرکز کرده است و پیشرفت به سوی این اهداف را تسریع کرده‌اند و به یک سیاستگذاری هنجاری برای توسعه تبدیل شده‌اند. با این حال، چالش‌های امروزی توسعه پایدار گسترده‌تر از دامنه اهداف کنفرانس جهانی توسعه پایدار است. آنها همه کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و همه کشورها باید در راه‌حل‌ها مشارکت کنند. علاوه بر دولت‌های ملی و محلی،

کسب‌وکارها و سازمان‌های جامعه‌مدنی نیز باید فراخوانده شوند تا در رفع چالش‌های توسعه پایدار مشارکت کنند. برای این کار بخش خصوصی و دولتی در چارچوب مسئولیت‌های اجتماعی خود باید به روند توسعه کمک کنند. از آنجایی که در کشورهای توسعه یافته بخش خصوصی موتور اصلی رشد اقتصادی و ایجاد شغل است. بنابراین بخش خصوصی می‌تواند بسیاری از فن‌آوری‌های جدید، مدل‌های سازمانی و سیستم‌های مدیریتی که برای توسعه پایدار مورد نیاز هستند را به عنوان مسئولیت اجتماعی خود توسعه و ارائه دهد. بنابراین، حاکمیت شرکتی خوب از همه شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت‌های چندملیتی بزرگ می‌خواهد که اهداف شفاف را برای توسعه پایدار اتخاذ کنند و خود را در قبال این اهداف در مقابل سرمایه‌گذاران، مشتریان، تأمین‌کنندگان و جامعه به‌طور کلی مسئول بدانند. باید اذعان کرد که شرکت‌ها اغلب در تعیین سرنوشت توسعه پایدار قدرتمندتر از دولت‌ها هستند، چرا که از فناوری‌ها، مهارت‌ها و ابزارهای سازمانی بی‌رقیب برخوردارند. با این حال انگیزه‌های آنها اغلب با اهداف عمومی توسعه پایدار همسو نیست. بنابراین هیچ توسعه پایدار بدون حاکمیت شرکتی خوب و پاسخگویی وجود نخواهد داشت. به‌ویژه شرکت‌ها باید مسئولانه و سازنده با دولت‌ها کار کنند تا به شکست‌های بازار رسیدگی کنند، به بسیج منابع مورد نیاز کمک کنند و اطمینان حاصل کنند که مشوق‌های خصوصی به طور کامل با اهداف عمومی همسو می‌شوند. آنها باید پاسخگویی پیامدهای زیست محیطی و اجتماعی اقدامات خود بوده و همه اینها ممکن است نیاز به تغییرات اساسی در برخی از مدل‌های کسب و کار داشته باشند.

نمایش پیشران‌های اقتصادی سیاستگذاری توسعه

در گزارش‌های معتبر پژوهش از موسسات بزرگ پژوهشی در سراسر جهان، کلان‌روند تغییرات اقتصادی به عنوان یک ابر روند تاثیرگذار بر تغییرات آینده معرفی شده است. با این پیش‌فرض مشارکت کنندگان در جلسات هم‌اندیشی این پژوهش نیز ضمن پذیرفتن این اصل اساسی، در راستای این کلان‌روند، روندهای جزیی‌تر یا پیشران‌هایی را برای تاثیر سیاستگذاری توسعه معرفی و شناسایی کرده‌اند. انتخاب این پیشران‌ها هم بر پایه تحلیل اسنادی گزارش‌های معتبر و مقالات علمی و هر پایه تایید ضمنی مشارکت کنندگان شناسایی شده است. همه این پیشران‌ها در نمودار زیر به تصویر کشیده شده‌اند و در مرحله بعد، تحلیل کمی و رتبه‌بندی آنها در قالب جدول و نمودار انجام گرفته است.



شکل ۷: پیشران‌های اقتصادی فراملی احصا شده برای سیاستگذاری توسعه در ایران

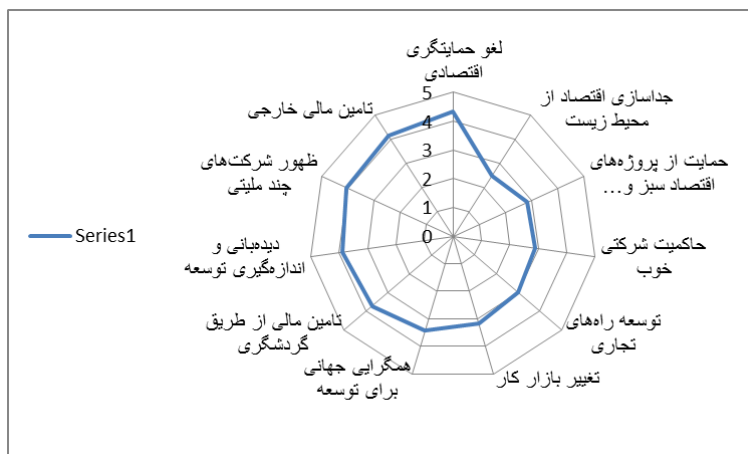
تحلیل کمی پیشران‌ها

علاوه بر شناسایی کلی پیشران‌های موثر بر سیاستگذاری توسعه ایران می‌توان هر کدام از این پیشران‌ها را بر مبنای میزان اهمیت و تاثیرگذاری تحلیل کمی کرد. بر همین اساس در ادامه همه پیشران‌ها به ترتیب بیشترین درجه اهمیت و بیشترین درجه تاثیرگذاری تحلیل شده‌اند. یافته‌های حاصل از تحلیل پرسشنامه‌های تکمیل شده در نشست‌های هم‌اندیشی مشارکت کنندگان در پژوهش، پیشران‌های با اهمیت و تاثیرگذار در سیاست‌گذاری توسعه بررسی و تحلیل می‌شود. ابتدا رتبه‌بندی پیشران‌ها را بر اساس درجه اهمیت و سپس بر اساس تاثیرگذاری آن‌ها در جداول زیر مشخص شده‌اند.

جدول (۱): رتبه‌بندی همه پیشران‌های با اهمیت در سیاستگذاری توسعه

رتبه‌بندی پیشران‌های با اهمیت	میانگین
لغو حمایتگری اقتصادی	۴/۳۲
تامین مالی خارجی	۴/۱۴
ظهور شرکت‌های چند ملیتی	۴/۰۶
دیده‌بانی و اندازه‌گیری توسعه	۳/۸۸
تامین مالی از طریق گردشگری	۳/۷۱
همگرایی جهانی برای توسعه	۳/۴۳
تغییر بازار کار	۳/۱۷
توسعه راه‌های تجاری	۳/۰۰
حاکمیت شرکتی خوب	۲/۹۱
حمایت از پروژه‌های اقتصاد سبز و بازده اجتماعی	۲/۸۵
جداسازی اقتصاد از محیط زیست	۲/۵۱

از نظر مشارکت کنندگان در پژوهش و خبرگان و فعالان سیاست‌گذاری توسعه همه پیشران‌های با اهمیت در سیاستگذاری توسعه از نظر رتبه‌بندی به یک اندازه با اهمیت نیستند، بلکه هر پیشران بر پایه نمراتی که مشارکت کنندگان از ۱ تا ۵ بر اساس میزان اهمیت به آنها داده‌اند، رتبه‌بندی شده‌اند. بر اساس یافته‌های کمی سه پیشران؛ «لغو حمایتگری اقتصادی»، «تامین مالی خارجی» و «ظهور شرکت‌های چند ملیتی» با میانگین بالای چهار بیشترین اهمیت را از نظر خبرگان و فعالان سیاست‌گذاری توسعه برای سیاستگذاری توسعه دارند. همچنین پیشران‌های «حمایت از پروژه‌های اقتصاد سبز و بازده اجتماعی» و «جداسازی اقتصاد از محیط زیست» با نمرات کمتر از ۳ به نسبت سایر پیشران‌ها اهمیت کمتری سیاستگذاری توسعه دارند. برای تفهیم بهتر نمودار راداری این پیشران در شکل زیر به تصویر کشیده شده است.



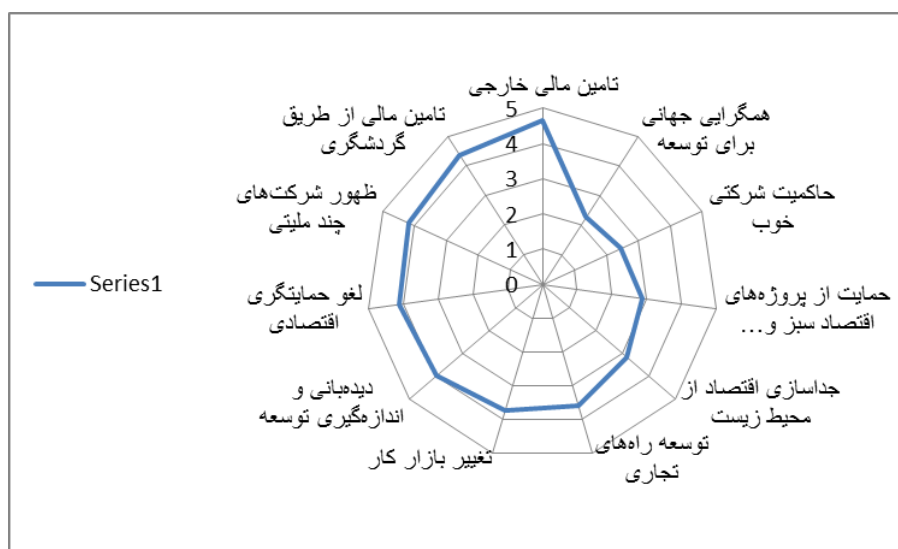
شکل ۸: نمودار راداری درجه اهمیت سیاست گذاری های توسعه ایران

نمودار راداری تصویری جامع تر از رتبه بندی سیاست گذاری توسعه از نظر میزان اهمیت را نشان می دهد که بر اساس آن «لغو حمایتگری دولت در اقتصاد» و «سرمایه گذاری خارجی» بیشترین اهمیت را در بین ۱۱ پیشران شناسایی شده دارند. در ادامه این پیشران ها بر اساس تاثیر گذاری شناسایی شده اند.

جدول (۲): رتبه بندی همه پیشران های تاثیر گذار در سیاست گذاری توسعه

میانگین	رتبه بندی پیشران های تاثیر گذار
۴/۶۷	تامین مالی خارجی
۴/۳۵	تامین مالی از طریق گردشگری
۴/۱۹	ظهور شرکت های چند ملیتی
۴/۱۰	لغو حمایتگری اقتصادی
۳/۹۹	دیدهبانی و اندازه گیری توسعه
۳/۷۶	تغییر بازار کار
۳/۶۲	توسعه راه های تجاری
۳/۱۸	جداسازی اقتصاد از محیط زیست
۲/۸۶	حمایت از پروژه های اقتصاد سبز و بازده اجتماعی
۲/۴۳	حاکمیت شرکتی خوب
۲/۲۹	همگرایی جهانی برای توسعه

نتایج جدول فوق نشان داده که از نظر مشارکت کنندگان در پژوهش و خبرگان و فعالان سیاست‌گذاری توسعه همه پیشران‌های تاثیرگذار در سیاست‌گذاری توسعه از نظر رتبه‌بندی به یک اندازه تاثیرگذار نیستند، بلکه هر پیشران بر پایه نمراتی که مشارکت کنندگان از ۱ تا ۵ بر اساس میزان تاثیرگذاری به آنها داده‌اند، رتبه‌بندی شده‌اند. بر اساس یافته‌های کمی سه پیشران؛ «تامین مالی خارجی»، «تامین مالی از طریق گردشگری» و «ظهور شرکت‌های چند ملیتی» به عنوان تاثیرگذارترین مولفه‌های تاثیرگذار بر سیاست‌گذاری توسعه هستند. میانگین این سه پیشران بالای ۴ شده که در مقایسه با سایر پیشران‌ها از درجه تاثیرگذاری بالایی برخوردارند. همچنین پیشران‌های «حمایت از پروژه‌های اقتصاد سبز و بازده اجتماعی»، «حاکمیت شرکتی خوب» و «همگرایی جهانی برای توسعه» به نسبت بقیه پیشران‌ها درجه تاثیرگذاری کمتری دارند. برای تفهیم بهتر نمودار راداری این پیشران در شکل زیر به تصویر کشیده شده است.



شکل ۹: نمودار راداری درجه اهمیت سیاست‌گذاری‌های توسعه ایران

نمودار راداری تصویری جامع‌تر از رتبه‌بندی سیاست‌گذاری توسعه با درجه تاثیرگذاری را نشان می‌دهد که بر اساس آن «حاکمیت شرکتی خوب» و «همگرایی جهانی برای توسعه» کمترین تاثیرگذاری را بر سیاست‌گذاری توسعه دارند.

بحث و نتیجه

اهمیت توسعه در جهان به گونه‌ای که جهان و کشورهای موجود در آن همگی بر اساس سطح توسعه‌یافتگی تقسیم‌بندی می‌شوند و قشریندی جهانی نیز بر اساس میزان دسترسی این کشورها به شاخص‌های توسعه تعیین می‌شود. در ایران نیز بیش از صد سال است که توسعه به اشکال مختلف دنبال شده و مورد توجه بوده است. دغدغه توسعه در ایران، دغدغه‌ای مشترک برای افراد، خانواده‌ها، نهادها و دولت‌های و نظام‌های سیاسی بیشماری بوده است و در راستای نیل به این هدف هم تلاش‌های زیادی در قالب تلاش‌های سیاسی، راهبردهای اقتصادی و اتکا به فناوری انجام شده است. همه تلاش‌های دستیابی برای توسعه در قالب سیاست‌هایی کلی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، فنی و زیست محیطی پیگیری شده است و در این پژوهش با اتکا بر اصول آینده‌نگاری روندها و کلان‌روندهای اقتصادی موثر بر سیاستگذاری توسعه شناسایی و تحلیل شده‌اند. هر چند این پیشران‌ها با عواملی که بر سیاست‌گذاری توسعه تفاوت‌های جزئی دارند، اما در نهایت ریشه همه مسایل به نحوی به هم نزدیک است. در ادبیات نظری بر مسایلی مانند؛ رشد اقتصادی، افزایش صادرات غیرنفتی، افزایش واردات و صادرات تجاری، آزادسازی اقتصادی و کوچکتر شدن اندازه دولت، واردات تکنولوژی، تحصیل و مهاجرت در سایر کشورها، قراردادهای و تفاهم‌نامه‌ها و حتی پژوهش‌ها و تحقیقات دانشگاهی مستند شده که همه آنها در راستای دستیابی به یک هدف والا به نام توسعه ایران تاثیرگذار هستند. به عنوان شناسایی و تحلیل روند هم، پیشران‌های؛ تامین مالی خارجی، تامین مالی از طریق گردشگری، ظهور شرکت‌های چند ملیتی، لغو حمایتگری اقتصادی، دیده‌بانی و اندازه‌گیری توسعه، تغییر بازار کار، توسعه راه‌های تجاری، جداسازی اقتصاد از محیط زیست، حمایت از پروژه‌های اقتصاد سبز و بازده اجتماعی، حاکمیت شرکتی خوب و همگرایی جهانی برای توسعه بر سیاست‌گذاری توسعه تاثیرگذاری عمیقی داشته‌اند.

با توجه به نتایج تحلیلی و جدای از تمام تلاش‌ها و برنامه‌هایی که برای توسعه ایران دنبال شده است، نقش کارهای علمی و پژوهشی انجام شده در این حوزه بی‌بدیل است. توافق همگانی بیشتر کارهای علمی و پژوهشی در سراسر جهان بر این امر اتفاق نظر دارند که برای توسعه کشورها یک راهبردی چند بعدی لازم است. بر همین اساس بهترین راهبرد، شناسایی پیشران‌هایی است که در حوزه‌های مختلف اقتصادی، روند توسعه کشورها را شتاب می‌بخشند. از آنجایی که پیشران‌ها موتور حرکت به سوی آینده هستند، بنابراین این مسیریابی از طریق آینده‌پژوهی بهتر عمل می‌کند. از طرفی هم وضعیت ایران در حال حاضر جدالی تمام نشانی بین توسعه خواهان و مخالفان توسعه در وضعیتی نابرابر است. چرا که بخش مهمی از دلایل توسعه نیافتگی به موانع توسعه در جوامع برمی‌گردد که بیشتر بازیگران توسعه را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

میزان قدرت موافقان و مخالفان توسعه در هر کشوری تعیین کننده سطح توسعه یافتگی و عدم توسعه جوامع هستند. در بیشتر کشورهای درحال توسعه نخبگان توسعه خواه نه تریبون تاثیرگذار و نه قدرت سیاسی و اجرایی آنچنانی دارند که بتوانند بر توسعه جوامع اثرگذاری داشته باشند. میزان تاثیرگذاری ناچیز این نخبگان عموماً در مجامع علمی و دانشگاهی بوده و از مسیر جامعه و نظام حاکمیتی به دور بوده‌اند. شاخصه غالب کشورهای درحال توسعه حضور مخالفان پر قدرت توسعه بوده که نقش تاریخی خود را در مانع از توسعه جوامع برجای گذاشته‌اند و همه اقدامات آنها در راستای جریان ضد توسعه بوده است. چرا که توسعه جوامع در تضاد با منافع شخصی آنها بوده است. بنابراین توسعه مورد نیاز برای جوامع نه یک هدف، بلکه باید جریانی همگانی و عمومی باشد، که در آن نفع عمومی مقدم بر نفع شخصی گردد. در همین ارتباط برخی از متفکران معاصر رویکردی انسانی و اخلاقی مانند آزادی و گسترش توانمندی‌ها برای زندگی انسانی، اخلاقی و کرامت‌محور موتور توسعه جوامع در نظر می‌گیرند و تجربه توسعه در سطح جهانی نشانگر آن است که هیچ کشوری نتوانسته است بدون اتکا به این ابزارها مسیر موفقیت را در پیش گیرد. البته تجربه توسعه در بسیاری از کشورها متفاوت بوده و بازیگران متفاوتی نیز بار توسعه جوامع را به دوش کشیده‌اند. اما در مهمترین تجربه باید دست دخالت‌های دولتی در سیاستگذاری‌های توسعه‌ای را کوتاه کرد و توسعه را باید در بطن جوامع برانگیخت. همچنین در ایران دولت در موارد متعددی در نقش مجری برای توسعه، چالش‌های عمده‌ای برای نیل به توسعه ایجاد کرده و خود مانع توسعه شده است. چرا که به باور همه اندیشمندان از دل دولت فربه توسعه در نمی‌آید و توسعه با دولت کوچک و چابک محقق می‌شود. دولت چابک دولتی با کارمندانی کمتر و اقتصادی آزاد است که در آن منابع اساسی در انحصار دولت نیست و در بخش خصوصی واقعی قرار دارد. دولت‌های نفتی و دارای منابع بزرگ اغلب از شاخص‌های توسعه‌ای دور هستند و تمایلی هم به توسعه ندارند. راهبرد نیل به توسعه در این کشورها کوچکتر کردن دولت‌ها و تجهیز آنها به درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای نفتی است. چرا که در دولت‌های مالیات بگیر می‌توان شفافیت مالی ایجاد کرد و به راحتی همه مردم را در جریان مسایل دولت‌ها گذاشت. هرچند بسیاری از اندیشمندان دولت را علت توسعه نمی‌دانند، اما واقعیت امر این است که همچنان مهم‌ترین بازیگر جهان در زمینه توسعه است و نهاد دولت مهم‌ترین نهادی است که افق و بینش توسعه‌گرایانه را به سمت جلو هدایت می‌کند...

منابع

- Akbari, M. A. (2002). Experiences of cultural planning in Iran. *Farhang-e Omumi Quarterly*, 33(4), 24-32. <https://www.magiran.com/volume/5414> (in Persian)
- Anbari, M. (2011). *Sociology of development: From economy to culture*. Tehran: SAMT. (in Persian)
- Ashtarian, K. (2012). *Public policy-making in Iran*. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
- Azkia, M. (2012). *An introduction to the sociology of rural development*. Tehran: Ettela'at Publications. (in Persian)
- Bertelsmann-Scott, T.; Friis, C., & Prinsloo, C. (2016). *Making sustainable development the key focus of the BRICS New Development Bank*. South African Institute of International Affairs. <http://www.jstor.org/stable/resrep28394>
- Campbell, E. J.; Olstad, D. L.; Spence, J. C.; Storey, K. E., & Nykiforuk, C. I. J. (2020). Policy-influencer perspectives on the development, adoption, and implementation of provincial school-based daily physical activity policies across Canada: A national case study. *SSM - Population Health*, 11. <https://doi.org/10.1016/j.ssmph.2020.100612>
- Chen, Y. (2018). *China's role in Nigerian railway development and implications for security and development*. United States Institute of Peace. Available at: <http://www.jstor.org/stable/resrep20230>
- De Toni, A.; Vizzarri, M.; Di Febbraro, M.; Lasserre, B.; Noguera, J., & Di Martino, P. (2021). Aligning inner peripheries with rural development in Italy: Territorial evidence to support policy contextualization. *Land Use Policy*, 100, <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104899>
- Ebrahimi, M., & Sadeghi, A. (2007). Social policy-making for development. *Iranian Journal of Sociology*, 8(1), 151-156. https://www.jsi-isa.ir/article_23881.html (in Persian)
- Emami, K., & Azadvar, N. (2015). Examining the effect of foreign aid on per capita income growth in selected developing countries of Asia and Africa. *Financial Economics*, 9(30), 99-120. https://journals.iau.ir/article_515782.html (in Persian)
- Ghaffari, H.; Younesi, A., & Rafiee, M. (2016). Analyzing the role of investment in education toward achieving sustainable development with special emphasis on environmental education. *Quarterly Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 5(1), 79-104. https://ee.journals.pnu.ac.ir/article_3230.html (in Persian)
- Godarzvand Chaghinni, M. (2015). Sustainable development: Indicators and policy. *Global Politics Quarterly*, 4(2), 216-237. https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_1301.html (in Persian)
- Hakiminia, B.; Qolani, N., & Khalifeh-Soltani, S. M. (2011). A sociological study of qualitative human development indicators in Muslim

countries with oil and non-oil income with emphasis on Iran's position. *Social Sciences Quarterly, Islamic Azad University (Shushtar Branch)*, 5(13). <https://www.magiran.com/p1634247> (in Persian)

Ilin, I.; Kalinina, O.; Iliashenko, O., & Levina, A. (2016). Sustainable urban development as a driver of safety system development of the urban underground. *Procedia Engineering*, 165, 1673-1682. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2016.11.909>

Inanlou, M. (2019). Tourism policy-making in Iran. *Islamic Republic News Agency (IRNA)*, News ID: 83542665. (in Persian)

Jasemi, A., & Hashemi, S. A. (2021). Examining the components of Iran's educational system and the philosophical school of idealism (a qualitative study). *Jundishapur Journal of Education Development*, 12(2), 559-569. <https://doi.org/10.22118/edc.2021.279432.1752> (in Persian)

Kapucu, N., & Beaudet, S. (2020). Network governance for collective action in implementing United Nations sustainable development goals. *Administrative Sciences*, 10(4), 100. <https://doi.org/10.3390/admsci10040100>

Katz-Gerro, T. (2015). Introduction—Cultural policy and the public funding of culture in an international perspective. *Poetics*, 49, 1-4. <https://doi.org/10.1016/j.poetic.2015.02.006>

Kawashima, N. (2015). Cultural policies in East Asia. In *International encyclopedia of the social & behavioral sciences* (pp. 453-459). <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-097086-8.10437-0>

Lane, J.; Andrews, G.; Orange, E.; Brezak, A.; Tanna, G.; Lebesse, L.; Carter, T.; Naidoo, E.; Levendal, E., & Katz, A. (2020). Strengthening health policy development and management systems in low- and middle-income countries: South Africa's approach. *Health Policy OPEN*, 1. <https://doi.org/10.1016/j.hopen.2020.100010>

Nouri, N., & Shojaei, M. (2007). Reviewing government policies in the tourism industry and proposing a sustainable development model for the national tourism industry. *Danesh-e Modiriyat (Management Knowledge)*, (78). (in Persian) https://jmk.ut.ac.ir/article_19076.html

Ojo, J. A. T., & Alege, P. O. (2010). Global financial and macroeconomic fluctuation—Implication for African economic development. *African Economic and Business Review*, 8(2), 48-82. <http://repository.covenantuniversity.edu.ng/items/c732e2d7-d215-4446-a622-dd51fc486b90/full>

Oleynikova, E., & Zorkin, Y. (2016). Social commerce as a driver of sustainable development of the information economy of the city. *Procedia Engineering*, 165, 1556-1562. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2016.11.893>

Rajabpour, H.; Momeni, F., & Nasiri-Aghdam, A. (2020). Measuring inclusive development in Iran (1981–2016). *Social Welfare Quarterly*, 20(79), 9-54. Available at: <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3566-fa.html> (in Persian)

Rezaei, M. (2004). The position of the state institution in the economy. *Islamic Economics*, 4(14), 37-62. http://eghtesad.iict.ac.ir/article_16570.html (in Persian)

Roe, D.; Seddon, N., & Elliott, J. (2019). *Biodiversity loss, development crisis?* International Institute for Environment and Development. <http://www.jstor.org/stable/resrep29045>

Sachs, J. D.; Schmidt-Traub, G.; Bahadur, C.; Barredo, L.; Puch, M. C.; de la Mothe Karoubi, E., & Sopchik, R. (2013). *An action agenda for sustainable development: Report for the UN Secretary-General*. New York. https://capacity4dev.europa.eu/library/action-agenda-sustainable-development-report-un-secretary-general_en

Sancha, C.; Longoni, A., & Giménez, C. (2015). Sustainable supplier development practices: Drivers and enablers in a global context. *Journal of Purchasing and Supply Management*, 21(2), 95-102. <https://doi.org/10.1016/j.pursup.2014.12.004>

Shalbafian, A.-A.; Adibi-Sedeh, Z., & Moradi Qeshlaqi, F. (2014). The role of government in tourism development policy-making: Challenges and solutions. *The 1st International Scientific-Strategic Conference on Tourism Development of the Islamic Republic of Iran: Challenges and Prospects*, Mashhad. (in Persian)

Sher, A.; Abbas, A.; Mazhar, S.; Azadi, H., & Lin, G. (2020). Fostering sustainable ventures: Drivers of sustainable start-up intentions among aspiring entrepreneurs in Pakistan. *Journal of Cleaner Production*, 262. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.121269>

Shojaei, M., & Torab-Ahmadi, M. (2014). Assessing the feasibility of quantitative targets of Iran's tourism development vision 2025. *The 1st International Scientific-Strategic Conference on Tourism Development of the Islamic Republic of Iran: Challenges and Prospects*, Mashhad. <https://civilica.com/doc/337890> (in Persian)

Stojanov, R.; Bureš, O., & Duží, B. (2017). Migration and development policies: The state of affairs before the 2015 European migration crises in the Czech Republic and its current implications. *Communist and Post-Communist Studies*, 50(3), 169-181. <https://doi.org/10.1016/j.postcomstud.2017.06.002>

Sustainable Development Solutions Network. (2013). *Sustainable development policy in crisis mode*. Sustainable Development Solutions Network. Available at: <http://www.jstor.org/stable/resrep25837>

Todaro, M. P. (2012). *Economic development in the Third World* (G. Farjadi, Trans.). Tehran: Plan and Budget Organization Publications (Center for Economic and Social Documentation & Publications). (in Persian)

United Nations Development Programme. (2002). *World Summit on Sustainable Development (WSSD)*, 26 August–4 September, Johannesburg. Available at: <https://www.un.org/en/conferences/environment/johannesburg2002>

United Nations Development Programme. (2018). *Human development data (1990–2017)* [Data file]. Available at: <http://hdr.undp.org/en/data>